

بررسی روان‌شناختی - جامعه‌شناختی تروریسم انتشاری

انوروز کارگری*

استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات)، تهران، ایران

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی امروز، بهویشه در کشورهای درگیر در نازاری‌های داخلی، اقدامات تروریستی انتشاری است که هراس را به گونه گسترهای در جوامع انسانی پراکنده است. در کنار پاسخ‌های سیاسی و حقوقی به این پدیده اجتماعی، یکی از راهکارهای پیشگیرانه، تحلیل شخصیتی مرتکبین این اقدامات است. بی‌تردید رسیدن به این شناخت می‌تواند در پیشگیری از این اقدامات مؤثر باشد. پژوهش حاضر با بررسی برخی از شاخص‌های فردی و اجتماعی در اقدامات تروریستی انتشاری، سعی بر آن دارد تا به یک نیمرخی از مرتکبین این اقدامات دست یابد. در راستای سیاست مدیریت خطر ارتکاب جرم، این شناخت می‌تواند ما را در اعمال کنترل‌های اجتماعی و حقوقی بیشتر بر مرتکبین بالقوه اقدامات انتشاری کمک نموده و در نهایت کاهش این اقدامات را موجب گردد. پژوهش حاضر پس از بررسی ویژگی‌های شخصی و اجتماعی مرتکبین اقدامات انتشاری به ما نشان خواهد داد که برخلاف برداشت‌های عامیانه، ترویسم انتشاری رابطه مستقیم معناداری با هیچ‌کدام از اندیشه‌ها یا گرایش‌ها سیاسی یا مذهبی ندارد.

واژگان کلیدی: اقدامات تروریستی، ترویسم انتشاری، ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی

*Email: nouroozk@gmail.com

مقدمه

صرف نظر از جنبه های روانی و رسانه ای اقدامات تروریستی انتشاری، این اقدامات بنا به ملاحظات و محاسبات استراتژیک و بر اساس شماری از مشخصه های ویژه آن، به عمدت ترین شیوه هراس افکری در دوره کنونی تبدیل شده است. شماری از این خصوصیات که اقدامات انتشاری را به یک کابوس اجتماعی بدل ساخته اند، عبارتند از دقت بالا، غافلگیری، انعطاف پذیری، و تأثیر روانی و اجتماعی گسترده بر مردم و مخاطبان (مهربان، ۱۳۸۷: ۹۷-۹۳). در طی سال های گذشته بمب گذاران و عاملان انتشاری نشان داده اند که می توانند تقریباً هر محلی را در جهان و در هر زمانی، با نتیجه ای خشونت بار و ویران گر مورد حمله قرار دهند. بر اساس همین مشخصه ها است که با وجود اقدامات صورت گرفته در جهت مبارزه با تروریسم، به ویژه در سال های اخیر، به نظر می رسد که پیشگیری حقوقی و سیاسی، کمترین تأثیر را در این باره داشته است. با رو به افزایش نهادن این اقدامات و با گزینش اهداف اولیه حملات تروریستی از میان عموم مردم، احساس عمومی نسبت به امنیت اجتماعی و سیاسی و اعتماد به توانایی دولت ها برای حمایت از شهروندان در برابر اقدامات خشونت بار تروریستی، به شدت کاهش یافته است (Aman, 2007: 7).

دو ویژگی عمدت در اقدامات انتشاری وجود دارد که آنها را نسبت به سایر انواع اقدامات تروریستی برتری می دهد: اولین مزیت یک بمب گذار یا انتشاری این است که مرتكب در واقع، مغز خود را به عنوان یک سیستم هدایت کننده، و بدن خود را به عنوان یک سیستم تحويل دهنده بمب به کار می گیرد. دومین مورد نیز بی نیازی از یک نقشه فرار، و کمتر بودن احتمال دستگیری مرتكبان اقدامات انتشاری است، که احتمال موفقیت را در این اقدامات را افزایش می دهد. (Aman, 2007: 8-9) بی تردید زمانی که قابلیت انعطاف پذیری و تفکر انسانی به یک دستگاه انفجاری متصل شود و مرتكب فارغ از طراحی نقشه فرار، خود را به محل اجرای عملیات برساند، تأثیر این حمله بیشتر خواهد شد، به علاوه که احتمال موفقیت آن نیز افزایش خواهد یافت.

از سوی دیگر میزان خسارات ناشی از این گونه اقدامات نیز می تواند به مراتب بیشتر از سایر اقدامات تروریستی باشد. حملات صورت گرفته در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ حداقل ده برابر مخرب تر از اقدامات تروریستی صورت گرفته قبل از آن بود. (Merari, 2005: 70) این قابلیت تخریب گسترده حملات به احتمال زیاد توجهات بسیاری را به سوی این دیدگاه جلب می کند که «برای رسیدن به اهداف سیاسی، تروریسم انتشاری یکی از بهترین شیوه هاست.»

در کنار قدرت تخریب بالای این گونه اقدامات، از نظر کمی نیز تروریسم انتشاری در سال های اخیر رو به افزایش بوده است. استفاده سازمان دهی شده از حملات انتشاری توسط گروه های تروریستی از اوایل

دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، اما بیش از ۵۰ درصد از این حملات از سال ۲۰۰۰ به بعد رخ داده است. رشد این حملات تنها در افزایش تعداد آن‌ها نیست بلکه از نظر محدوده جغرافیایی و تعداد گروه‌های درگیر نیز این حملات افزایش داشته‌اند. در فاصله سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۹، حملات انتشاری تنها در ۷ کشور^۱ ارتکاب می‌یافتد، در حالی‌که در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ این حملات در ۱۸ کشور^۲ گزارش شده‌اند. (Merari, 2005: 70) در سال‌های اخیر نیز اقدامات انتشاری گروه تروریستی داعش در سراسر جهان نشان داده است که به واقع هیچ نقطه‌ای از جهان از نفوذ تروریست‌های انتشاری و هیجوم انفجاری آن در امان نیست. این واقعیت نشان می‌دهد که این‌گونه حملات در حال افزایش است، آن هم با سرعتی بالا، که تمامی مرزهای جغرافیایی را در بر خواهد گرفت.

بیشتر مطالعات صورت گرفته در ارتباط با اقدامات تروریستی انتشاری، آن را ناشی از تفکرات بنیادگرای مذهبی معرفی کرده‌اند، هرچند شاید اتفاقات اخیر صورت گرفته در این زمینه، جایی برای ارجاع در این زمینه باقی نگذارد. برخی دیگر از این مطالعات نیز آن را ناشی از خصلت‌های شخصیتی مرتکب، (Stein, 2003) فقر و جهل، (Weinberg 2003: 139-53) شوک‌های روانی Joshi, 2000: 71-6) و انتقام به دلیل آزارهای شخصی یا از دست دادن خانواده (Sarraj, 2002: 71-6) می‌دانند. اما با توجه به نتیجه اقدامات انتشاری و عدم دسترسی به فرد انتشارکننده، این بررسی‌ها عمدتاً بر داده‌های دسته دوم یا نقل قول شده استوار بوده و از این‌رو بیشتر حدسی و مبتنی بر نظریه‌پردازی هستند، تا واقعی و مبتنی بر داده‌های بی‌طرفانه.

برای دستیابی به پاسخی منطقی در مورد مبانی ساختاری و عوامل مؤثر بر اقدامات تروریستی انتشاری، پس از طرح مشکلات ساختاری و تاریخچه به کارگیری این اقدامات، با استفاده از اطلاعات موجود^۳، نسبت به تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این اقدامات پرداخته خواهد شد.

۱. مشکلات ساختاری در تحلیل تروریسم انتشاری

در راستای بررسی تروریسم انتشاری، نخستین مانع رسیدن به تعریفی جامع از این پدیده است. به همان اندازه که واژه ترور و تروریسم در تعریف با دشواری مواجه است، تعریف تروریسم انتشاری نیز با مشکل مواجه است.

۱. این هفت کشور عبارتند از سریلانکا، لبنان، فلسطین اشغالی، ترکیه، کنیا و تانزانیا.
۲. فلسطین اشغالی، سریلانکا، آمریکا، روسیه، افغانستان، پاکستان، مراکش، تونس، عربستان سعودی، یمن، اندونزی، فیلیپین، هندوستان (کشمیر)، عراق، کنیا، ترکیه، اسپانیا و چین این ۱۷ کشور را شامل می‌شوند.
۳. با توجه به مشکلات موجود در راه دسترسی به اطلاعات مربوط به این موضوع، داده‌ها عمدتاً از منابع و پایگاه‌های داده خارجی استفاده شده است. از این‌رو ایرادات احتمالی می‌تواند بر اساس خاستگاه داده‌ها تحلیل گردد.

بخشی از مشکلات موجود در راستای علت‌یابی و انگیزه‌شناسی اقدامات تروریستی انتشاری ناشی از تعاریف ارائه شده از این مفهوم است، که در برخی از موقع تصویری پراشتباه را از این پدیده نشان می‌دهد. به عنوان نمونه برخی از نویسندهای تروریسم انتشاری را به عنوان رفتارهایی معرفی می‌کنند که مرتکب، احتمال مردن خود را در آن بالا می‌بیند، گرچه این احتمال همواره به وقوع نمی‌پیوندد. (Atran, 2003: 1534-1539) این‌گونه تعاریف از برخی از جهات با ایجاد مواجه می‌شوند، زیرا گرچه بسیاری از مرتکبان ممکن است در راستای انجام این عمل کشته شوند، اما بسیاری نیز ممکن است جان سالم به در ببرند. به علاوه که تعیین احتمال دقیق مردن یا کشته شدن در اثر یک اقدام تروریستی همیشه آسان نیست. از این رو تعریفی که بهتر به نظر می‌رسد آن است که تروریسم انتشاری را عبارت بدانیم از یک وضعیتی که در آن فرد مرتکب با قصد و به منظور کشتن دیگران، خود را به کشتن می‌دهد. انگیزه مرتکب در انجام این رفتار یک انگیزه سیاسی است. بر اساس این تعریف مواردی که به صورت اتفاقی منجر به کشته شدن مرتکب می‌شود، یا مواردی که کشته شدن مرتکب در طی یک برنامه‌ریزی، اما بدون اطلاع مرتکب صورت می‌گیرد را از دایرة مفهوم تروریسم انتشاری خارج می‌کند. نمونه این مورد در هفدهم اکتبر ۱۹۸۵ در لبنان رخ داد که در طی آن یک گروه چهارنفره وابسته به حزب کمونیست لبنان مأمور بمبکذاری در ایستگاه رادیویی صدای امید لبنان در نزدیکی مرز فلسطین اشغالی گردید. در این ماجرا هر کدام از این افراد حدود ۳۰ کیلوگرم مواد منفجره با خود حمل می‌کردند. نگهبانان ایستگاه رادیویی با اطلاع از حضور آنان، بر روی ایشان آتش گشودند. این امر موجب گردید که افراد به صورت جدا از هم اقدام به کار گذاشتن مواد منفجره خود نمایند و حال آنکه قبل از کار گذاشتن، این مواد منفجر شد و تنها یک نفر جان به در برداشت. در نتیجه اظهارات این شخص روشن شد که این افراد فریب خورده و مواد منفجره دارای چاشنی تأخیری نبودند که امکان فرار از مهلکه را برای مرتکبان ایجاد کنند. (مراری، ۱۳۸۱: ۳۳۰-۳۳۱) با این مثال می‌توان به این فرضیه رسید که در برخی موارد، اقدامات تروریستی صورت گرفته تنها ظاهری انتشاری دارند و در واقع قصد مرتکب، کشتن خود در فرایند یک اقدام تروریستی نبوده است.

۲. مروری بر تاریخچه و شیوه تروریسم انتشاری

گرچه ممکن است بتوان تاریخچه اقدامات تروریستی انتشاری را به دوران باستان برگرداند و اقدامات سیکاری‌های یهودی را نقطه آغاز آن دانست، و اقدامات حشاشین اسماعیلی در قرن ۱۱ تا ۱۳ میلادی را نمودی بارز و ظاهر از آن دانست، اما با توجه به تعریفی که از تروریسم انتشاری ارائه کردیم، این گروه‌ها به سادگی از ذیل عنوان تروریسم انتشاری خارج می‌شوند. مروری بر اقدامات این دو گروه به ما یادآوری می‌کند که اعضای این گروه‌ها دشمنان خود را با استفاده از خنجر به قتل

می‌رسانند و این یعنی پذیرفتن خطر بالای دستگیری و اعدام، اما هیچ‌گاه آنان خود را آگاهانه برای کشتن دیگران به کشتن نمی‌دادند. اقدامات این گروه، مشابه با گروه‌های چندی است که در قرن‌های اخیر فعالیت داشته‌اند، از جمله آثارشیست‌های روسی در قرن نوزدهم و انقلابیون روسیه در اوایل قرن بیستم. ریسک و خطر نهفته در اقدامات این گروه به معنای انتشاری بودن آن نیست، زیرا فرار در تمامی این اقدامات پاره‌ای از نقشه است که اولویت مرتب را شکل می‌دهد.

با این حال «کریستوف رویتر» در کتاب خود «زنگی من یک سلاح است: تاریخچه بمبگذاری انتشاری» در یک سیر خطی، اقدامات انتشاری را از بحث درخصوص اسماعیلیان آغاز می‌کند. به عقیده وی اقدامات تروریستی این گروه، نشانه‌ای از قدرت و نفوذ ایمان مذهبی در میان مسلمانان است. در ادامه نیز وی بر این عقیده است که اقدامات انتشاری مدرن با جنگجویان ایرانی گره خورده است، و از آنجا به سایر گروه‌های مبارز اسلامی گسترش یافته است. با این توضیح «رویتر» بهدلیل آن است تا عملیات انتشاری را پدیده‌ای برآمده از ایمان مذهبی مرتكبان معرفی کند. (مهربان، ۱۳۸۷: ۹-۷)

در مخالفت با ادعای «رویتر» مبنی بر وجود منشأ مذهبی برای حملات انتشاری، می‌توان خلبانان ژاپنی در جنگ جهانی دوم را بررسی کرد که از یک رویکرد سکولار، با هوایپماهای کامی‌کازه خود به سمت کشتی‌های آمریکایی شیرجه می‌زدند که این نمونه‌ای بارز از حملات انتشاری در زمان جنگ است. در این حملات مرتكبین اقدامات انتشاری سربازانی بودند که برای کشتن سربازان دشمن، خود را به کشتن می‌دادند. از آنجایی که این اقدامات در زمان جنگ و توسط واحدهای نظامی صورت می‌گرفت، با اقدامات ارتکابی توسط گروه‌های تروریستی تفاوت دارد با این حال از حيث ماهیت و کلیت تفاوتی با آن‌ها ندارد. این تفاوت عمده‌ای در روان‌شناسی شکل‌گیری این حملات، و دیدگاه‌های مرتكبان نسبت به نفس حمله است و گرنه فرایند شکل‌گیری فیزیکی یک چنین رفتاری با نمونه مشابه آن، که توسط گروه‌های تروریستی صورت می‌گیرد، تفاوتی ندارد، زیرا هر دو رفتار متصمن م moden است برای کشتن دیگری.

یکی از اساسی‌ترین اقدامات تروریستی انتشاری جدید در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۱ در بیروت اتفاق افتاد. در این تاریخ یک راننده انتشاری اتومبیل مملو از مواد منفجره را به سفارت عراق در بیروت کویید و باعث کشته شدن خود و ۶۱ نفر دیگر شد و ۱۰۰ نفر را نیز زخمی کرد. (Mickolus, 1989: 233-4) پس از این حادثه استفاده سیستماتیک از حملات انتشاری به عنوان یک تاکتیک، از سال ۱۹۸۳ آغاز شد. در ۱۸ آوریل ۱۹۸۳ یک کامیون حاوی مقدار زیادی مواد منفجره با سفارت آمریکا در بیروت برخورد کرد و ۶۳ نفر را کشت (Bond, 2004-2005: 25) و این آغاز استفاده مدرن و سیستماتیک از ایده کشتن خود برای کشتن دیگران بود.

از سال ۱۹۸۷ گروه ببرهای آزادی خواه تامیل در سری لانکا نیز تروریسم انتشاری را به عنوان یک تاکتیک اتخاذ کردند، به گونه‌ای که تا قبل از آتش‌بس ۲۳ فوریه ۲۰۰۲، این گروه بیش از ۱۷۰ مورد عملیات انتشاری را سازماندهی کرده بود، که این تعداد، گروه تامیل را تا آن تاریخ به رکورددار اقدامات انتشاری تبدیل کرده است.^۱ عمدۀ این حملات علیه ارتش و نیروی دریایی سری لانکا صورت گرفت و برخی از آن‌ها نیز سیاست‌مداران را هدف قرار داد. آمار عملکرد پ.ک.ک نیز در این باره تقریباً معادل با گروه تامیل است. این گروه از ژوئن ۱۹۹۶ تا جولای ۱۹۹۹، که آتش‌بس را پذیرفتند، جمماً حدود ۱۵ حمله را صورت داده بود، که اکثرًا توسط زنان صورت گرفته است. اهداف این گروه عمدتاً نیروهای پلیس و نظامیان ترکیه بوده‌اند. (Merari, 2005: 73)

شورشیان چچن نیز اقدامات خود را از سال ۲۰۰۰ آغاز کرده و حداقل ۱۶ حمله انتشاری انجام داده‌اند. دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد به کارگیری این اقدامات به عنوان یک خط‌مشی اساسی، تحت تأثیر القاعده صورت می‌گیرد. (Paz, ICT Community, <http://www.ict.org.il>) حجم گستردۀ حملات انتشاری پس از اشغال عراق توسط آمریکا، آغاز شد. بیشتر این حملات توسط یکی از گروه‌های واپسیه به القاعده تحت هدایت «ابومصعب زرقاوی» صورت گرفته است، گرچه برخی از آن‌ها نیز توسط دو گروه بنیادگرای اسلامی، به نام‌های «انصار الاسلام» و «انصار السنّه»، و تعداد دیگری نیز توسط پیروان صدام حسین صورت گرفته است.

با این حال به نظر نمی‌رسد هیچ‌کدام از گروه‌های تروریستی از حیث کمیت توانایی رقابت با گروه تروریستی نوظهور داعش را داشته باشند. شیوع اقدامات این گروه در سال‌های اخیر به حدی بوده است که گوی سبقت را از همه گروه‌های تروریستی ربوده و بسیاری از گروه‌های قدیمی‌تر را وادار به تبعیت از خود کرده است. (از آن جمله گروه بوكحram در نیجریه است که با خلیفه خودخوانده عراق و شام بیعت کرد).

۳. نتایج حاصل از اقدامات انتشاری

عاملان حملات انتشاری نشان داده‌اند که می‌توانند تأثیرات گستردۀ و فراوانی را ایجاد کنند. تأثیرات ناشی از چنین حملاتی را می‌توان به سادگی در وضعیت روانی ایجاد شده پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مشاهده کرد. با این حال هم قبل از این حوادث و هم بعد از آن، اقدامات انتشاری اهداف استراتژیک بسیاری را برای مرتكبان قابل دستیابی کرده‌اند.

پس از اشغال عراق توسط آمریکا، این کشور به مرکز حملات انتشاری تبدیل شده و روزانه اقدامات انتشاری تروریستی بسیاری را به خود دیده است. گرچه شاید هنوز زود است که تأثیر این حملات را

1. Gunaranta, <http://www.flonnet.com/fl17031060.htm>

بر آینده سیاسی عراق و بهویژه در جنگ آمریکا مشخص کنیم، با این حال تأثیر این حملات بر برنامه‌های سیاسی این کشور قطعی است. تأثیر این اقدامات در پاکستان و افغانستان نیز بر همین مدار قابل بررسی است که عمدتاً تأثیر آن را می‌توان در دخالت‌های خارجی به بهانه مبارزه با تروریسم، ایجاد مانع بر سر تشکیل دولت‌های ملی، و حتی چالش‌های سیاسی در عرصه روابط بین‌المللی است. تأثیر اقدامات تروریستی عمدتاً در قالب وادار کردن دولت به انجام یک رفتار یا تغییر یک برنامه نمود می‌یابد. این تأثیر یکی از شاخصه‌های اقدامات تروریستی است که حمله تروریستی مادرید اسپانیا نمونه بارزی از تلاش موفقیت‌آمیز برای واداشتن یک دولت به اتخاذ یک تصمیم است.^۱

۴. نیمروز شخصیتی و جمعیت‌شناختی تروریست‌های انتشاری

در ارتباط با روان‌شناسی گروه‌های تروریستی، اطلاعات چندی منتشر شده است که بیشتر حاصل مصاحبه با زندانیان، مصاحبه با خانواده‌های انتشارکنندگان و گزارش‌های خبری موجود در ارتباط با گروه‌های تروریستی است.^۲

۴-۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی

می‌توان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تأثیرگذار در اقدامات انتشاری را به شرح زیر نام برد و تأثیر آن را در وقوع حملات تروریستی انتشاری بررسی کرد:

۱-۱-۴. سن

سن به عنوان یکی از شاخصه‌های جمعیت‌شناختی قابل بررسی است. بررسی‌ها در مورد تأثیر سن در اقدامات انتشاری نشان می‌دهد که میانگین سن در انتشارکنندگان لبنانی ۲۱ سال بوده است و دامنه آن بین ۱۶ تا ۲۸ سال متغیر بوده است. این آمار در میان انتشارکنندگان فلسطینی قبل از انتفاضه دوم، میانگین ۲۲ سال و دامنه ۱۸ تا ۳۸ سال داشت. این دامنه در جریان انتفاضه دوم بین ۱۷ تا ۵۳ است، هرچند که میانگین سنی همچنان ۲۲ سال باقی مانده است. دو سوم از انتشارکنندگان در جریان این دوره ۱۸ تا ۲۳ سال داشته‌اند. بر اساس گزارش «راپرت پایپ»، میانگین سنی انتشارکنندگان در ۲۱/۹ سال بوده است. (Pape, 2005: 208) سن انتشارکنندگان تامیل کمتر است و حتی بیشتر آن‌ها کمتر از ۱۵ سال دارند که با توجه به رکورددار بودن این گروه در استفاده از اقدامات

۱. این حملات در ۱۱ مارس ۲۰۰۴ رخ داد که در طی آن به صورت همزمان ده بمب در اماکن پرازدحام مادرید منفجر شد. دولت اسپانیا در نتیجه این حملات مجبور شد در تصمیم خود مبنی بر همکاری با ائتلاف آمریکا بازنگری کند.

۲. اطلاعات مندرج در این قسمت برگرفته از منابع دیگر است و این از آن‌روست که امکان دسترسی بی‌واسطه به اطلاعات مورد نیاز در این زمینه وجود نداشت. با این حال به جهت رعایت امانت‌داری، در جای خود به منبع مورد استفاده ارجاع داده شده است.

انتحاری، استفاده از افراد جوان با این سن، یکی از سیاست‌های سازمان محسوب می‌شود. (Joshi, 2000) دامنه سنی انتحارکنندگان پ.ک. ک. ۱۷ تا ۲۷ سال بوده و این دامنه سنی در میان مردان ۱۸ تا ۴۰ سال بوده است. (Pape, 2005: 208) میانگین سنی مجموع انتحارکنندگان و افرادی که می‌توانند انتحارکننده باشند، ۲۷ سال بوده است. (Egril, 2001) دامنه سنی در میان انتحارکنندگان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز بر اساس گزارش‌ها، بین ۲۰ تا ۳۳ سال بوده است. (Schweitzer, 2002) این آمارها نشان می‌دهد که سن اغلب انتحارکنندگان دوران جوانی را در بر می‌گیرد.

۴-۱-۲. وضعیت تأهل

نحویاً تمامی انتحارکنندگان مجرد هستند. بر اساس آمار موجود در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸، ۳۱ مورد (برابر با ۹۱ درصد) از انتحارکنندگان فلسطینی مجرد بوده‌اند و تنها ۳ نفر متأهل بوده‌اند. در جریان انتفاضه دوم میزان انتحارکنندگان متأهل کمتر از ۱۰ درصد بوده است. این واقعیت که بیشتر افراد انتحارکننده مجرد بوده‌اند، نشان می‌دهد که این افراد تمایل بیشتری برای داوطلب شدن جهات انجام یک عملیات انتحاری دارند. (Marari, 2005: 75) با این حال این بدان معنا نیست که تنها افراد مجرد هستند که می‌توانند در اقدامات تروریستی انتحاری نقش ایفا کنند. این بدان معناست که گرچه بیشتر تمایل به سمت استخدام و به کارگیری افراد مجرد برای اقدامات انتحاری است، اما بسته به فرهنگ هر جامعه که سن ازدواج را بالا یا پایین در نظر می‌گیرد، همیشه گزینه افراد جوان و مستعد مجرد پیش‌روی تروریست‌ها قرار ندارد. (Hurwitz, 1999) این واقعیت بهویژه در مورد گروه‌های مبارز دینی بیشتر صدق می‌کند، زیرا فرهنگ دینی حاکم بر این گروه‌ها ازدواج در سینم پایین را تشویق می‌کند (Kramer, 1991: 30-47) و ازین‌رو برای این گروه‌ها شاید چاره‌ای جز عضوگیری از میان افراد متأهل باقی نماند. آمار ارائه شده تیجهٔ وضعیت تأهل افراد را در کلیت خود با اقدام انتحاری نشان می‌دهد.

۴-۱-۳. جنسیت

گروه‌های چپ‌گرایی کرد و نیز گروه «تمایل»، در استفاده از زنان برای اقدامات انتحاری دست و دل‌بازی زیادی به خرج می‌دهند و حتی گروه «پرنده‌گان آزادی»^۱ تمایل‌ها متشكل از زنانی است که به منظور انجام اقدامات انتحاری در واحدهای مخصوص سازماندهی شده‌اند. (Joshi, 2000) زنان تمایل ۴۰ درصد از اقدامات انتحاری این گروه را به انجام رسانده‌اند و از ۱۵ مورد حملهٔ انتحاری پ.ک. ک. ۱۱ مورد آن توسط زنان صورت گرفته است. (Ergil, 2001: 105-128) چنین گرایشی درخصوص گروه‌های مبارز فلسطینی پس از انتفاضه دوم و ظهور گروه‌های سکولار ایجاد شد. در جریان انتفاضه دوم، و با پیدایش گروه‌های مبارز سکولاری چون «فتح» و «جبهه مردمی برای آزادی

1. Birds of Freedom

فلسطین»، که در اقدامات انتشاری دست داشتند، استفاده از زنان نیز در جریان اقدامات انتشاری رایج شد. پس از آنکه در جریان اتفاقاً دوم گروه‌های سکولاری چون «فتح» از زنان همانند مردان در مبارزات مسلحه‌انه خود استفاده کردند، گروه‌های مذهبی «حماس» و «جهة إسلامي فلسطين» نیز در برخی از موارد محدود به این حربه متول شدند. با این حال زنان در این میان درصد بسیار کمی را به خود اختصاص داده و کمتر از ۴ درصد را در بر می‌گیرند (Merari, 2007: 105).

۴-۱-۴. وضعیت اقتصادی - اجتماعی

به طور کلی برخلاف این تصور عمومی که فقر را یک عامل اساسی در اقدامات انتشاری می‌داند، وضعیت اقتصادی خانواده‌های مرتکبین اقدامات انتشاری، تفاوتی با سایر خانواده‌ها ندارد. در زمینه تحصیلات نیز مرتکبین این اقدامات، تفاوت آشکاری با سایر افراد ندارند؛ ۸۸ درصد از انتشارکنندگان تحصیلات متوسطه یا بالاتر از آن را پشت سر گذاشته‌اند. (Marari, 2007: 76) گرچه «جورج بوش»، رئیس جمهور وقت آمریکا، در سخنرانی خود در سال ۲۰۰۲ در مکزیکو، در توجیه جنگ خود با تروریسم بیان داشت که ما با فقر می‌جنگیم، زیرا امید، پاسخی است به تروریسم، با این حال تحقیقاتی که در مورد دو گروه «حماس» و «جهاد اسلامی فلسطین» از سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۰۳ صورت گرفته است، بیان می‌دارند که تنها ۱۳ درصد از مرتکبین اقدامات انتشاری از موقعیت‌های اجتماعی فقیری هستند، و حال آنکه ۲۳ درصد از جمعیت فلسطین به طور کلی چنین وضعیتی دارند. بعلاوه بیش از ۵۰ درصد از مرتکبین دارای تحصیلات عالی غیردانشگاهی^۱ هستند، و حال آنکه ۱۵ درصد جمعیت فلسطین به طور کلی از چنین تحصیلاتی برخوردارند.

۴-۱-۵. مذهب

ارتباط میان دین و اقدامات تروریستی انتشاری ارتباطی بسیار پیچیده‌تر است، زیرا، بهویژه با ظهور گروه تکفیری - تروریستی داعش در عراق و سوریه و تبلیغات گسترده رسانه‌ای آن‌ها، اغلب وعده بهشت در تفکرات دینی را عاملی برای اشتیاق معتقدان دینی به مرگ از طریق انتشار قلمداد می‌کنند. گرچه برخی از نویسنده‌گان غربی به دلیل ناآشنایی با آموزه‌های اسلامی یا غرض‌ورزی، عملیات انتشاری را برگرفته از مفهوم شهادت دانسته و تلاش کرده‌اند آن را به نوعی با هنجار دینی شهادت مرتبط سازند، (مهربان، ۱۳۸۷: ۷) با این حال تروریسم انتشاری به هیچ یک از گروه‌های دینی یا فرهنگ اسلام و یا اندیشه‌های دینی یا مذهبی اختصاص ندارد.

از آنجا که اساساً اقدامات تروریستی انتشاری صورت گرفته توسط گروه‌های مذهبی بیشتر جنبه رسانه‌ای و تبلیغاتی به خود می‌گیرند، این تصور برای عموم و حتی برای دانشگاهیان ایجاد شده است

1. Further Education

که اقدامات انتشاری ارتباط مستقیمی با تعصبات مذهبی افراد دارد. گرچه این نظر قابل تأمل است، اما تا سال ۱۹۸۶، نزدیک به دو سوم از حملات انتشاری در لبنان توسط گروههای سکولار صورت گرفته است. (Merari, 1990: 192-207) این واقعیت را می‌توان به عنوان نتیجه حاصل از این آمار مطرح کرد که تعصبات مذهبی عاملی ضروری در انجام اقدامات تروریستی انتشاری نیست. بعلاوه که گروههایی چون تامیل، گرچه گرایشات مذهبی هندویسم داشته‌اند، اما اغلب با انگیزه‌های ملی گرایانه فارغ از تعصبات مذهبی اقدامات تروریستی را انجام داده‌اند. (Hopgood, 1999: 43-76)

مطابق تحقیق «رابرت پایپ»¹ در دانشگاه شیکاگو، از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱، کلاً ۱۸۸۰ مورد اقدام انتشاری در جهان صورت گرفته است، که بررسی آن‌ها نشان می‌دهد هیچ ارتباط مستقیمی میان آن‌ها و بنیادگرایی دینی وجود ندارد. بنا بر عقیده «پایپ» گروه آزادی طلب تامیل در راستای استفاده از این اقدامات پیشرو محسوب می‌شود، که خود گروهی مبتنی بر عقاید مارکسیسم - لینینیسم بوده و اعضای آن گرچه عمداً از زمینه‌های فکری و مذهبی هندو هستند، اما نسبت به آن خصومت دارند.

(Bond, 2004-2005: 26-27)

این نتیجه که بنیادگرایی شرط کافی و ضروری برای اقدامات انتشاری نیست، با این واقعیت که برخی از گروههای سکولار نیز به این تاکتیک متول شدند، تقویت می‌شود. گروه «ببرهای تامیل» از جمله این گروه‌ها است که گرچه از نظر مذهبی بیشتر اعضای آن را هندوها تشکیل می‌دهند، هدف اصلی خود را استقلال طلبی و ناسیونالیسم ذکر کرده است، نه افراطگرایی مذهبی یا نیل به اهداف مذهبی. گروههای مارکسیست همچون پ.ک.ک نیز به چنین حربه‌ای متول شده‌اند، در حالی که آشکارا در پی اهداف مذهبی نیستند.

۶-۱-۴. انتقام‌جویی

مطالعات نشان می‌دهند که در برخی از موارد، اقدامات انتشاری در انتقام نسبت به یک ستمی که شخصاً بر فرد مرتکب صورت گفته است، انجام می‌گیرد. (Joshi, 2000; Fisk, 2000) گرچه این توجیه در ارتباط با برخی از اقدامات تروریستی همچون عاملان حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ صحیح نیست، اما در ارتباط با بسیاری از اقدامات انتشاری در اسرائیل، ترکیه و سریلانکا مصدق می‌یابد؛ خواه اینکه این احساس یک احساس واقعی باشد یا اینکه برخاسته از یک وضعیت وهم آلود و غیرواقعی باشد. این انتقام می‌تواند در پاسخ به کشته شدن نزدیکان و دوستان توسط مقامات دولتی صورت گیرد، یا اینکه می‌تواند در پاسخ به احساس ظلم، در نتیجه تحمیل تفکرات و گرایش‌های جهانی باشد که با تحمیل فرهنگ بیگانه، دستاوردهای فرهنگی ملی را با چالش مواجه می‌سازد.

1. Robert Pape

این پرسش به صورت مستقیم در یک تحقیق درباره اقدامات انتشاری فلسطینیان در فاصله سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق خانواده‌های مرتکبان اقدامات انتشاری در ارتباط با دلایل احتمالی اقدامات ایشان مورد پرسش قرار گرفتند. کشته شدن یکی از اعضای نزدیک خانواده توسط نیروهای اسرائیل، کشته شدن یک دوست و زخمی یا مضروب شدن مرتکب یا یکی از اعضای خانواده در درگیری با نیروهای اسرائیلی، و یا دستگیری مرتکب، از جمله پاسخ‌های به این پرسش بودند. تحلیل این پاسخ‌ها نشان می‌دهد که کینه‌های شخصی، یک عامل ضروری برای انجام این اقدامات نیست و حتی نمی‌توان آن را یک عامل عمدی در ارتکاب این اقدامات محسوب کرد، هرچند که نقش آن‌ها در برخی از موارد غیرقابل تردید است. (Palestinian Center for Policy & Survey Research (PSR), 2002

۴-۲. عوامل شخصیتی و روان‌شناختی

در مواجهه با اقدامات تروریستی انتشاری، نخستین سؤالی که به ذهن می‌آید این است که چرا و چگونه برخی افراد از نظر روحی حاضر به انجام چنین اقدامی می‌شوند؟ تأمل در این باره ما را با چند فرض مواجه می‌سازد؛ شاید این افراد اساساً تمایل به کشتن یا خودکشی دارند، شاید فقیر بوده و هیچ امیدی به آینده بهتر ندارند، شاید ظلم سیاسی تحمیل شده بر ایشان، آن‌ها را به انجام چنین اقدامی وادر می‌کند و یا شاید آنان مجریان مذهبی یا پیامبران خودخوانده‌ای هستند که در راه عمل به اعتقادات خود چنین می‌کنند. شاید فروض دیگری نیز بتوان مطرح کرد، اما از آنجایی که اقدامات انتشاری عمده‌ای از کشورهای تحت ستم ریشه می‌گیرد، هیچ‌یک از فروض فوق نمی‌تواند با واقعیت منطبق باشد.

«تروریست‌های انتشاری نه غیرمنطقی اند و نه دیوانه، نه فقیرند و نه بی‌سواد، و نه دین‌دارتر از هیچ‌کس دیگر. آن‌ها شبیه دیگران هستند. این بدین معناست که در یک شرایط مناسب و مستعد برای انجام عملیات، هر کسی می‌تواند یک تروریست انتشاری باشد.» (Bond, 2004-2005: 25)

با این حال در نتیجه مطالعاتی که به صورت مصاحبه با انتشارکنندگان احتمالی و والدین آن‌ها صورت گرفت این نتیجه حاصل شد که شخصیت و رفتار مرتکبین اقدامات انتشاری دارای نشانه‌های خاصی است که آن را از سایر افراد متمایز می‌کند. به علاوه، این مشاهدات، انتشارکنندگان را از نظر شخصیتی، دارای یک شخصیت معمول معرفی نمی‌کند. تقریباً در یک سوم از این موارد، تمایلات انتشاری آشکار می‌شوند که به صورت مشخص می‌توان به افسردگی، الکلیسم یا اعتیاد به مواد مخدر و سابقه شروع به انتشار اشاره کرد، هرچند که این عوامل نقش اصلی را در شکل‌دهی به عوامل خطرزا بازی نمی‌کردند.

شاید یکی از بهترین تئوری‌های جامعه‌شناسی که می‌تواند این پدیده را توجیه کند، دیدگاه «خودکشی فدکارانه»^۱ (امیل دورکیم) باشد. (Durkheim, 1951) به عقیده «دورکیم» این نوع خودکشی نمادی از کم‌ارزش بودن فرد در برابر ارزش اجتماع است که فرد را قربانی اجتماع می‌کند. خودکشی فدکارانه خود می‌تواند به صورت اختیاری یا اجباری باشد، با این حال در این نکته با هم مشترکند که در هر دو صورت مبینت فرد نادیده گرفته می‌شود. خودکشی فدکارانه اجباری نمونه‌هایی چون خودکشی زنان هندی پس از مرگ شوهرانشان را شامل می‌شود. در این گونه خودکشی سنت‌های اجتماعی قدرت بسیاری دارند و خود را بر فرد تحمل می‌کند. خودکشی فدکارانه اختیاری موردی را شامل می‌شود که در آن خودکشی به عنوان یک امتیاز اجتماعی مورد تحسین قرار می‌گیرد، اما اجباری نیست، مانند سنت «هاراگیری» در بین سامورایی‌های ژاپنی. مردن فرد در خودکشی فدکارانه یک ارزش است که «دورکیم» آن را در مقابل خودکشی خودخواهانه قرار می‌دهد. این مردن نشان بی‌توجهی و بی‌اعتباً اجتماعی است و ارزش و اهمیت ناچیز انسانی را نشان می‌دهد که به سادگی می‌تواند قربانی اجتماع شود.

با وجود این شباهت، نمی‌توان اقدامات تروریستی انتشاری را به صورت کامل با دیدگاه خودکشی فدکارانه دورکیم منطبق کرد، زیرا از یک سو دورکیم این مفهوم را به عنوان یک ویژگی اجتماعی به کار می‌برد نه به عنوان یک ویژگی شخصیتی. به عقیده دورکیم جوامع به دلیل ویژگی‌های اجتماعی خود از نرخ متفاوتی در انگیزه خودکشی برخوردارند. نتیجه‌ای که دورکیم از این امر می‌گیرد آن است که خودکشی ناشی از انگیزه‌هایی است که از جامعه‌ای که مرتکب متعلق به آن است ناشی می‌شود. از این‌رو، وی خودکشی در ارتش را، به دلیل ویژگی‌هایی که فرد در ارتش با آن روبرو است، نظیر حسن وظیفه‌شناسی و فرمانبرداری، نوعی خودکشی فدکارانه می‌داند.

از سوی دیگر به عقیده او خودکشی فدکارانه یک وضعیت ثابت اجتماعی است، نه یک ویژگی ناپایدار و موقتی. از این‌رو در صورتی که بخواهیم اقدامات تروریستی انتشاری را با دیدگاه «دورکیم» وفق دهیم باید آن را ناشی از خصلت‌های اجتماعی بدانیم که این اقدامات در آن صورت می‌گیرد. این اجتماع لزوماً جامعه‌بزرگی که افراد را در بر بگیرد نیست، بلکه می‌تواند جامعه‌کوچک قومی، نژادی، مذهبی و... باشد که بر رفتارهای فرد تأثیر می‌گذارد. با این حال به نظر نمی‌رسد که سازمان‌یافتنگی و سختگیری سازمانی گروه بر این امر تأثیر داشته باشد، آن‌گونه که برخی از گروه‌های تروریستی از نظر سازمان‌یافتنگی کمتر از سایر گروه‌ها نیستند، با این حال میزان تسلی آن‌ها به اقدامات تروریستی انتشاری به مراتب از گروه دیگر کمتر است.

1. Altruistic Suicide

این نوع خودکشی در فارسی تحت عنوان «خودکشی دگرخواهانه» تعبیر شده است. (نک: دورکیم، ۱۳۷۸)

دیدگاه‌های روان‌شناختی مربوط به خودکشی نیز نمی‌توانند به طور کامل پدیده تروریسم انتحراری را توجیه کنند. تئوری‌های روان‌شناختی، خودکشی را به عنوان نتیجه یک شناسایی غیرارادی می‌دانند که خود را از دیگری غیرقابل تشخیص می‌سازد، خواه از روی عشق یا نفرت. در نتیجه این شناسایی، فرد ممکن است خود را به عنوان یک دوست یا دشمن بشناسد (Maltsberger, 1999: 72-82) و از روی عشق یا نفرت رفتاری را علیه خود صورت دهد. این تعریف گرچه می‌تواند اقدام افراد را به خودکشی توضیح دهد، با این حال به سختی بتوان اقدامات تروریستی انتحراری که امروزه شاهد ظهور آن هستند را بر اساس این تعریف مورد بررسی قرار داد.

یکی از بهترین دیدگاه‌هایی که می‌توان بر اساس آن اقدامات تروریستی را توضیح داد، دیدگاهی است که توسط «اشنیدمن» ارائه شده است. این دیدگاه برخلاف سایر دیدگاه‌های روان‌شناختی که خودکشی را به عنوان یک خشونت، یا نمودی از خشونت نشان می‌دهند، آن را به عنوان یکی از اجزای نامیدی مورد تأکید قرار می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، تمایل به ارتکاب خودکشی تقریباً همیشه ناشی از یک درد روان‌شناختی شدید است که از نیازهای روان‌شناختی خنثی یا سرخورده ناشی می‌شود. در ادامه این فرایند، خودکشی به عنوان بهترین راه برای متوقف ساختن این درد شناخته می‌شود. شکل‌گیری و رواج هیجان برای خودکشی خود ناشی از احساس بی‌پناهی است. (Farber, 1967) بر این اساس هر چه احساس پناه بیشتر ارتکاب خودکشی مورد بررسی قرار داد. (Shneidman, 1985; Shneidman, 1999) نقش بی‌پناهی را در تحقق انگیزه و آرزوی شود، احتمال خودکشی کاهش می‌یابد و بر عکس. بر این اساس، تلقی «فاربر» از مفهوم پناه، به توانایی قابل پیش‌بینی افراد برای انجام نقش‌های اجتماعی مربوط است، نه وضعیت‌های عمومی همچون تحت اشغال بودن. شاید حتی بتوان بر اساس این دیدگاه، وضعیت‌های تهدید خارجی مانند جنگ و اشغال را مصداقی از عوامل امیددهنده دانست که در توجیه ارتکاب اقدامات انتحراری به گونه‌ای وارونه از دیدگاه «فاربر» عمل می‌کند.

به عقیده برخی دیگر، افرادی که اقدام به خودکشی می‌کنند نه تنها زمان حال را یأس‌آور و غم‌انگیز می‌دانند، بلکه با پیش‌بینی گستاخی اجتماعی در آینده، آینده را نیز تاریک و بی‌روح می‌دانند. (Lester, 1971) با این حال با نگاهی به اقدامات تروریستی انتحراری می‌توان دید که حداقل در تعدادی از این اقدامات، انگیزه‌های ملی یا قومی وجود دارد که این انگیزه‌ها گرچه می‌توانند ناشی از سرخوردگی‌ها در سطح ملی باشند ولی مبنایی برای نامیدی افراد مرتكب نیستند. از این‌رو دلیلی وجود ندارد که به طور قطع ثابت نماید که اقدامات تروریستی انتحراری توسط افرادی صورت می‌گیرد که دارای نامیدی و یأس شخصی هستند.

نیم رخ شخصیتی مرتکبان اقدامات تروریستی در نمونه‌های تروریستی، در شناسایی وضعیت روان‌شناختی یک تروریست انتشاری بالقوه کمکی به ما نمی‌کند. افراد جوانی که اقدام به تروریسم انتشاری می‌کنند، هیچ سابقه‌ای از تلاش قبلی برای خودکشی نداشته و نیز هیچ سابقه درگیری با خانواده یا دوستانشان نداشته‌اند. از این‌رو می‌توان گفت که در بسیاری از این موارد، خودکشی نمونه‌ای از نبرد است نه شکلی از فرار. در بسیاری از موارد هیچ‌گونه احساس بی‌پناهی و ناامیدی نیز در بین آنان وجود نداشته است. بلکه برعکس خودکشی به شیوه اقدامات انتشاری گونه‌ای از طراحی و برنامه‌ریزی برای اعمال قدرت است، و نه ظهوری از ضعف و ناتوانی روانی مرتکب. گرچه در برخی از موارد، خودکشی به عنوان نوعی تمایل و اشتیاق برای رسیدن به بهشت به عنوان یک عامل انگیزه‌دهنده مطرح است، با این حال تنها در تعداد کمی از این موارد می‌توان تمایلات شخصی را برای رسیدن به شهادت به صورت آشکار مشاهده کرد. با توجه به بسیاری از موارد اقدامات انتشاری به سادگی می‌توان دید که این اقدامات از نظر روان‌شناختی مطابقت چندانی با احساسات روانی مرتکب ندارند. بدین ترتیب نکته کلیدی برای فهم اقدامات تروریستی انتشاری را باید در حوزه و زمینه ظهور آن دید و نه شخصیت مرتکبین آن‌ها (Merari, 1999: 76).

۵. تأثیر و جدان جمعی گروه بر اقدامات انتشاری مرتکبان

جدان جمعی حاکم بر یک گروه، وضعیتی است که فرد را در خود گرفتار ساخته و بر تمام ابعاد رفتاری او تأثیر می‌گذارد. این وضعیت، ارزش‌هایی را بر فرد تحمیل می‌کند که در شرایط عادی هیچ‌گاه یک فرد به پذیرش این ارزش‌ها و انجام چنین رفتارهایی اقدام نمی‌کرد. پذیرش این ارزش‌ها و انجام این رفتارها به صورت مشخص و کامل تحت تأثیر و جدان گروهی یا جمعی برخاسته از تعاملات اجتماعی گروهی صورت می‌گیرد. تأثیر و جدان جمعی گروه‌های تروریستی را در اقدام به خودکشی به سادگی می‌توان در اعتصاب غذای اعضای «ارتش جمهوری خواه ایرلند» در زندان «ماز» بلفاست مشاهده کرد. (Beresford, 1994: 35-41) این افراد به رهبری «بابی ساندز» دست به اعتصاب غذا زدند و یکی پس از دیگری مردند. گرچه این اقدام با استناد به هیچ شاخصی تروریستی محسوب نمی‌شود، با این حال می‌تواند تمایل این افراد را برای مردن در نتیجه تأثیر وضعیت حاکم برای ما آشکار سازد، به علاوه که این مرگ به مراتب سخت‌تر و طولانی‌تر از مرگ آنی یک تروریست انتشاری با استفاده از مواد منفجره بود. بدون تردید تلاش‌های بسیاری برای انصراف آن‌ها از اعتصاب غذا از سوی خانواده دوستان و مسؤولان زندان صورت گرفت، به علاوه اعتصاب‌کنندگان کاتولیک بودند و خودکشی در عقیده آنان یک گناه سنگین بود. با این حال یک فشار قوی موجب گردید که در دوران طولانی اعتصاب غذا همچنان بر عقیده خود برای مردن ثابت

قدم بمانند. اما این فشار چه بود؟ شاید ساده‌ترین توجیه برای این اقدام، قرارداد نانوشته گروهی میان اعضای باشد که قابل نقض از سوی اعضای نیست. این قرارداد همانی است که اعضای یک گروه نظامی را و او می‌دارد تا به جنگ در صف اول جبهه پردازند و خطر آن را با میل پذیرد. لازم به توضیح نیست که در بسیاری از موارد، خطر مردن در این نبرد، بسیار بیشتر از اعتصاب غذا است.

با توجه به اطلاعات موجود درباره گروههای تروریستی، برای انجام یک اقدام انتشاری توسط یکی از اعضای گروه، گروه باید سه جزء را در آماده‌سازی تروریست انتشاری بالقوه جهت تبعیت از وجدان گروهی همواره مورد توجه قرار دهد:

۱-۵. مغزشویی

در راستای آماده‌سازی یک فرد برای ارتکاب یک عملیات انتشاری، وی باید موضوع آموزش از سوی مسئولان گروه قرار گیرد. گرچه فرد داوطلب اقدام انتشاری احتمالاً از همان آغاز در ارتباط با ضرورت انجام چنین اقدامی کاملاً راضی است، اما برای تضمین انگیزه بعدی در وی، باید فرایند مغزشویی به خوبی صورت گیرد. برای هر یک از گروههای مذهبی، ناسیونال و قومی، توجهات خاصی در فرایند مغزشویی ارائه می‌شود. آزادی وطن و احساس قهرمان ملی بودن در بین گروههای سکولار و شهادت و رسیدن به بهشت در بین گروههای مذهبی توجیهات مؤثی در این فرایند به حساب می‌آیند. از حیث تاریخی بهترین نمونه از مغزشویی را شاید بتوان در اقدامات صورت گرفته توسط فدائیان حسن صباح دانست. این افراد تحت تأثیر آموزه‌های گروه، به گونه‌ای آموزش داده می‌شدند که به طور قطع به این باور می‌رسیدند که خدمت به گروه خود عین سعادت است فارغ از خطرات بالقوه‌ای که آن‌ها را تهدید می‌کند.

نقش اسطوره‌ها را نمی‌توان در انگیزه‌مندسازی تروریست‌های انتشاری بالقوه نادیده گرفت. خوشبختی‌های ناشی از احیای تفکرات مذهبی و افتخارات ناشی از احیای اسطوره‌های ملی می‌توانند ابزارها و عواملی مناسب برای انگیزه‌مند کردن افراد فراهم نمایند.

۲-۵. مسئولیت‌های گروهی

تمهدهات دو طرفه داوطلبان انجام اقدامات انتشاری مبنی بر قربانی کردن خود، بی‌تردید یک انگیزه بسیار قوی برای انجام این عملیات بدون هیچ‌گونه تردیدی است. خودکشی‌های زنجیره‌ای همچون اعتصاب غذای ایرلندي‌ها در سال ۱۹۸۱ نمونه‌ای از این قرارداد اجتماعی است که افراد به شدت به آن پاییند هستند. (Merari, 1999) همین تعهدات گروهی است که موجب می‌گردد که برخی از گروههای مبارز و تروریستی تمایل بیشتری به استفاده از اقدامات انتشاری داشته باشند. اعضای این گروه‌ها به صورت دو طرفه نسبت به یکدیگر تعهد دارند تا وظیفه خود را انجام دهند و به

هیچ عنوان این قرارداد خود را نقض نکنند. این نکته در میان اعضای گروه آزادیبخش تامیل نیز مشاهده می‌شود که اعضای آن در دو دسته از گروه‌ها فعالیت می‌کنند. گروه «ببرهای سیاه» (گروه‌های متشكل از مردان) و گروه «پرندگان آزادی» (گروه متشكل از زنان) به صورت جدای از هم اقدامات خود را انجام می‌دهند. تعهد ناگوئی اعضا این گروه‌ها نسبت به یکدیگر نیز آن است که عملیات خود را تا پایان به انجام رسانند. همین تعهدات گروهی مبنای استفاده از خلبانان «کامی کازی» ژاپنی در طول جنگ جهانی دوم شده بود و شاید بتوان یکی از عوامل مؤثر در موفقیت نقشه‌های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را نیز در همین نکته دید.

۳-۵. پیمان‌های شخصی

بسیاری از گروه‌های تروریستی خاورمیانه به‌طور معمول پس از انجام یک حمله انتشاری، یک نوار ویدئویی در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند. این نوارها معمولاً پس از انجام موققیت‌آمیز یک عملیات انتشاری برای خانواده‌های انتشارکنندگان فرستاده می‌شود. معمولاً در این نوارها تصویری از انتشارکنندگان با تفکی در دست فرستاده می‌شود که تصمیم قاطع خود را برای انجام عملیات انتشاری بیان می‌کند. این تصاویر تنها جنبه تبلیغی ندارند بلکه نشانگر تعهد غیرقابل بازگشت فرد داوطلب برای انجام یک حمله تروریستی است. تعهد و پیمان شخصی این فرد در قالب تصاویر ارائه شده از وی، نه تنها دیگران را برای پیوستن به این جریان انگیزه‌مند می‌کند بلکه او را نیز چون یک قهرمان به تصویر می‌کشد.

۶. حمایت عمومی از اقدامات انتشاری

یافتن طرفدار در میان مخاطبان اقدامات تروریستی یکی از اهداف اصلی گروه‌های تروریستی است. تروریسم حامل پیامی وحشت‌بار است برای دشمنان و حامل پیامی امیددهنده است برای دوستان. این دوستان همان‌هایی هستند که گروه‌های تروریستی در پی جلب حمایت آن‌ها هستند. میزان حمایت عمومی از عملیات انتشاری هم بر تمايل گروه برای استفاده از این تاکتیک‌ها تأثیر دارد، و هم بر تعداد اعضای داوطلب برای انجام اقدامات انتشاری بعدی. بیشتر گروه‌هایی که به اقدامات انتشاری متولّ می‌شوند نسبت به دیدگاه‌ها و اعتقادات گروه‌هایی که به زعم خود در پی حمایت از آن‌ها بوده و اعضا خود را در میان آن‌ها انتخاب می‌کنند، بی‌تفاوت نیستند. در گزینش اهداف و تاکتیک‌ها، گروه باید مرزهای خود را بر اساس منافع و تمایلات گروه‌ها و اجتماعات حامی خود ترسیم کند، زیرا در غیر این صورت حمایت عمومی نسبت به اقدامات خود را از دست خواهد داد. به عنوان نمونه در شش ماه دوم سال ۱۹۹۵، حماس از اقدامات انتشاری دست برداشت، زیرا رهبران آن به این نکته پی بردنند که چنین اقداماتی از سوی جماعتی فلسطینی مورد حمایت قرار

نمی‌گیرد و این امر می‌توانست بر معروفیت سازمان تأثیر معکوس بگذارد. این اقدامات از زمان انعقاد قرارداد اسلو در سال ۱۹۹۳ آغاز شده و روند رو به افزایشی به خود گرفته بود به نحوی که میزان حمایت عمومی این اقدامات از کمترین میزان خود در ماه می ۱۹۹۶ (۲۰ درصد) به بیش از ۷۰ درصد در ماه می ۲۰۰۲ رسید.^۱ افزایش زیاد شیوع حملات انتخباری در جریان انتفاضه دوم بیانگر این نکته است که جوانان فلسطینی تمایل بسیاری به عضویت در گروه‌های انتخباری و داوطلب شدن برای این اقدامات دارند و این تمایل ناشی از آن تلقی اجتماعی است که چنین اقداماتی در جامعه تحت عنوان «وطن‌پرستی» یا «قهرمانی» شناخته می‌شود.

۷. گروه‌های عامل اقدامات انتخباری

مروری بر گروه‌های تروریستی که از اقدامات انتخباری استفاده می‌کنند، نخستین مشخصه غالب این گروه‌ها را ظاهرآ در گرایش‌های اسلامی آنان معرفی می‌کند که این امر به صورت مشخص برخاسته از تبلیغات سیاسی صورت گرفته در جهت تروریستی جلوه دادن برخی از گرایش‌های دینی و مذهبی است. بر اساس این ظاهر، بیشتر گروه‌هایی که از اقدامات انتخباری استفاده می‌کنند، گروه‌های اسلامی هستند. این مشخصه شاید بتواند نقش اسلام را در گرایش به اقدامات تروریستی انتخباری نشان دهد. گرچه به ظاهر چنین امری به ذهن می‌آید و مروری بر گروه‌های تروریستی موجود نیز آن را تأیید می‌کند، با این حال نقش تعیین کننده‌ای در گرایش به اقدامات انتخباری محل بحث و بررسی است. این عقیده که اسلام نقش تعیین کننده‌ای در گرایش به اقدامات انتخباری دارد، به سادگی با این استدلال رنگ می‌بازد که همه گروه‌های اسلامی به این اقدامات متولّ نشده‌اند، و به علاوه گروه‌هایی که به اقدامات انتخباری متولّ شده‌اند نیز، تنها آن را در یک محدوده زمانی خاص صورت داده‌اند، و نه به عنوان یک شیوه دائمی مبارزه. از این‌رو شاید تأثیر گرایش‌های سیاسی در این میان پررنگ‌تر از گرایش‌های مذهبی به نظر آید، زیرا که تقریباً همه گروه‌های اسلامی در یک فضای سیاسی متregonج درگیر در اقدامات تروریستی هستند و این تنها آنان را با وضعیت سیاسی‌ای که در آن قرار دارند پیوند می‌زنند و نه با تمامی وضعیت‌های سیاسی موجود در جهان.

بدین ترتیب باید در پاسخ به پرسش نخست وضعیتی را یافت که در آن گروه‌های تروریستی مرتکب اقدامات انتخباری می‌شوند، خواه این گروه‌ها اسلامی باشند یا خیر. درخواست از یک عضو گروه برای کشتن خود، یک گام اساسی و مهم در این باره است که می‌تواند تمایلات روانی مرتکب را در این باره شکل دهد. با این حال چنین تقاضایی را تنها می‌توان در وضعیت‌های خاصی مطرح

1. Center for Palestine Research and Studies, 2000. Jerusalem Media and Communication Center (JMCC), 2002. Palestinian Center for Policy and Survey Research, (PSR), 2002.

کرد. این وضعیت‌های خاص، شرایطی هستند که سازمان و اساس گروه را تحت یک خطر جدی قرار می‌دهند. این فرضیه منطقی با استناد به وقایع تجربی موجود در ارتباط با گروه‌های تروریستی تأیید می‌شود. به عنوان نمونه اقدامات انتشاری حماس پس از آغاز گفت و گوهای صلح بین اسراییل و فلسطین در سال ۱۹۹۳ آغاز شد، زیرا که حماس این فرایند صلح را تهدیدی علیه موجودیت سازمانی خود می‌دانست و آن را در تقابل با ایدئولوژی خود می‌دید. گروه آزادی بخش تامیل نیز حملات خود را از سال ۱۹۸۷ آغاز کرد و این مصادف با زمانی بود که این گروه زیر حملات ارتیش سری‌لانکا عقب‌نشینی کرده و تحت خطر نابودی قرار گرفته بود. به همین ترتیب گروه پ.ک.ک زمانی که گروه تحت حملات ارتیش ترکیه زیر فشار قرار گرفته بود و روحیه مبارزه در بین اعضای گروه رنگ باخته بود، شروع به استفاده از حملات انتشاری کرد. این حملات با دستگیری رهبر گروه «عبدالله اوچلان»، تشدید شد، (Schweitzer, 2000: 85-75) (Egril, 2001) زیرا که از آن پس گروه با از دست دادن رهبر کاریزماتی خود بیشتر در معرض تهدید از بین رفتن قرار گرفت.

با این حال این وضعیت‌ها را نیز نمی‌توان در تمامی گروه‌ها به همین صورت مشابه به تصویر کشید و مواردی را نیز خارج از این چهار چوب می‌توان مشاهده کرد. القاعده با گروه‌های اقاماری خود در کشورهایی چون اندونزی، سعودی، مراکش، تونس، ترکیه را نمی‌توان نمودی از وضعیت‌گرایی در انجام حملات انتشاری دانست. حملات صورت گرفته توسط این گروه در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ در پاسخ به یک وضعیت دشوار تحمیل شده بر این گروه از جانب ایالات متحده نبود و علی‌رغم شعار آمریکا مبنی بر جنگ با تروریسم، گروه‌های وابسته به القاعده در کشورهای اسلامی، تحت فشار و حملات مستقیم آمریکا نبودند که سر به مبارزه بردارند. شاید بتوان توسل این گروه‌ها به اقدامات تروریستی انتشاری را ناشی از رواج این اقدامات به عنوان یک اقدام مذکونه دانست، هرچند که مد به تنهایی نیز نمی‌تواند میزان گستردگی از اقدامات تروریستی انتشاری را موجب گردد، زیرا گروه‌هایی که آشکارا بیشترین اقدامات از این دست را صورت داده‌اند، تهدیداتی را نیز نسبت به سازمان خود احساس کرده‌اند. بدین ترتیب گرچه نمی‌توان به قاطعیت یک علت اساسی را برای اقدامات انتشاری در نظر گرفت، اما به قاطعیت می‌توان نقش ضرورت‌های محیطی و خارجی را بیشتر از پیشینه‌های ایدئولوژیکی و فرهنگی اعضای گروه و مرتكبین این اقدامات دانست.

نتیجه

پاسخ به این پرسش که چگونه یک فرد عاقل و منطقی می‌تواند در یک اقدام انتشاری شود، را باید در عوامل سیاسی جست‌وجو کرد. تصمیم به درگیر شدن در یک اقدام انتشاری، تصمیمی سیاسی و استراتژیک بوده که هدف در آن‌ها همواره یکی است؛ وادر ساختن دولت از طریق تأثیر بر

دیدگاه مردم، به خروج از سرزمینی که گروه تروریستی آن را سرزمین خود می‌داند، یا وادار ساختن آن به انجام کاری که گروه تروریستی خواهان آن است یا بازداشت آن از انجام یک اقدام مطلوب از نظر گروه. به زبانی ساده، حملات انتشاری بیانگر نوع دیگری از ارزش اقتصادی حاکم بر روابط اقتصادی و پولی است. بدین معنا که به صورت کاملاً مؤثر و ارزان و اخیراً مبتنی بر سازماندهی آسان به کار گرفته می‌شود. این منطق استراتژیک و عقلانیت نهفته در سازمان‌هایی چون القاعده، حماس و ببرهای تامیل در به کارگیری حملات انتشاری، تأییدکننده این مطلب است که عاملان انتشاری نه غیرمعقول هستند و نه انسان‌هایی دیوانه‌اند. (ظهیری، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۱۸)

زمانی که یک فرد حاضر می‌شود که برای مبارزه، جان خود را در معرض خطر قرار داده و آن را قربانی کند، مهم‌ترین سؤالی که ما را با آن مواجه می‌سازد این است که در برابر این اقدامات چه می‌توان کرد؟ و چگونه می‌توان در برابر آن واکنش نشان داد؟ و یا شاید آن را تحمل کرد و خود را با آن تطبیق داد؟ سکوت در برابر این اقدامات شایسته نیست، زیرا اساساً جامعه ما را تهدید می‌کنند، اما مقابله با آن‌ها چگونه باید باشد؟ قبل از پاسخ به این پرسش‌ها این مطلب را باید در نظر داشت که مرتکبان انتشاری اقدامات تروریستی، برخلاف آنچه به نظر می‌رسد، لزوماً از زندگی خود بیزار نیستند، زیرا اکثر تروریست‌ها سعی دارند در عین خدمت به آرمان خود، زنده بمانند. آن‌ها عموماً از پیش، نقشه‌هایی برای فرار یا عقب‌نشینی از محل عملیات، در صورت وقوع برخی حوادث نامطلوب و عدم موفقیت عملیات طراحی می‌کنند. همچنین می‌توان به این موضوع نیز در تأیید دیدگاه فوق توجه داشت که تروریست‌ها، اقداماتی که بسیار مخاطره‌آمیزند، مانند ریودن هوایپما یا اشغال ساختمان‌های دولتی، را بسیار کمتر از اقدامات کم‌مخاطره‌ای نظیر بمبگذاری یا آدمکشی، مرتکب می‌شوند. (بورینه، ۱۳۸۴: ۱۱۹)

با این حال سه شیوه را می‌توان برای واکنش در برابر اقدامات انتشاری متصور شد: بازدارندگی شخصی افراد داوطلب برای انجام اقدامات انتشاری، بازداشت گروه‌های مبارز از توسل به این اقدامات، و تأثیر بر افراد جامعه برای کاهش حمایت از این اقدامات.

یکی از مشکلات اساسی در راه مقابله با اقدامات انتشاری آن است که داوطلبان این اقدامات را از مردن بازداریم و آنکه تمايل آن‌ها به مردن را از بین ببریم. داوطلبان اقدامات انتشاری گرچه شاید به نظر نسبت به دیگران بی‌اعتبا باشند اما بدون تردید تمايل به صدمه دیدن افراد مورد علاقه خود را ندارند. به همین جهت یکی از راه‌هایی که می‌توان این افراد داوطلب را با آن از تمايلات انتشاری خود بازداشت، توجه به افرادی است که مورد علاقه آن‌ها هستند. با این حال از آنجایی که گرایش گروه مبارز تأثیر بسیاری در تشویق افراد به اقدامات انتشاری دارد، توجه به این گروه‌ها نیز اهمت

بسیار دارد. تهدیدات جدی علیه گروه‌های تروریستی به عنوان پاسخی به یک اقدام انتحاری، نیز می‌تواند عاملی تأثیرگذار بر کاهش اقدامات بعدی آن‌ها باشد زیرا زمانی که چنین گروه‌هایی بر خوردی سخت و شدید را در مقابل اقدامات خود بیینند، بی‌تردید این واکنش‌ها تأثیرات بازدارنده خود را بر جای خواهند گذاشت. با این حال این تهدیدات نباید به گونه‌ای باشد که با تأثیر گذاشتن بر ماهیت گروه، انجام اقدامات خشونت‌بار بیشتری را از سوی اعضای گروه تشویق کند.

در پایان، این نکته لازم به ذکر است که تمامی آنچه گفته شد تا زمانی قابل اعمال است که انتحار به نمودی از فرهنگ مقاومت تبدیل نشده باشد. از آنجایی که گزاره‌های فرهنگی کمتر قابلیت چالش ارزشی از نظر عقلی را دارند، زمانی که انتحار به یک فرهنگ تبدیل شود، معجالی برای بررسی منطقی آن نیست. از این‌رو به منظور جلوگیری از اقدامات انتحاری تمامی تلاش باید صورت گیرد تا از فرایند این تبدیل جلوگیری شود.

منابع فارسی

- مهربان، احمد (۱۳۸۷)، ۱۱ سپتامبر و موج جدید عملیات انتخابی در خاورمیانه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- مرادی، آریل (۱۳۸۱)، «آمادگی برای کشتن و کشته شدن: تروریسم انتخابی در خاورمیانه»، در رایش، والتر، ریشه‌های تروریسم، ترجمه: سیدحسین محمدی نجم، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ظهیری، صمد (۱۳۸۵)، عقلانیت و تروریسم، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- بورینه، زاک (۱۳۸۴)، تجزیه و تحلیل اقتصادی تروریسم، ترجمه: علیرضا طیب، در طیب، علیرضا (گردآوری)، تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، تهران: نشر نی.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

غیرفارسی

- Aman, Michael (2007), **Preventing Terrorist Suicide Attacks**, Jones and Bartlett Publishers.
- Atran. S (2003), “Genesis of Suicide Terrorism”, **Science**, Vol. 299, , pp: 1534-1539.
- Beresford. D (1994), **The Men Dead**, London: Harper Collins.
- Bond, Michael (2004-2005), “The Making of a Suicide Bomber”, in Badey, Thomas. J (ed), **Violence and Terrorism**: Annual Edition, Guilford, CT: McGraw-Hill/Dushkin.
- Center for Palestine Research and Studies (2000), www.cprs-palestine.org-Jerusalem Media and Communication Center (JMCC), 2002, www.jmcc.org-Palestinian Center for Policy and Survey Research, (PSR), 2002, www.pcpsr.org.
- Durkheim. E (1951), **Suicide: A Study in Sociology**, New York: The Free Press.
- Egril, D (2001), **Suicide Terrorism in Turkey: The Workers' Party of Kurdistan, in Ganor. B (ed), Countering Suicide Terrorism: An International Conference**, The International Policy Institute for Counter-Terrorism at the Interdisciplinary Center, Herzliya, Israel.
- Ergil. D (2001), **Suicide Terrorism in Turkey**, in Ganor. B (ed), Countering Suicide Terrorism: An International Conference, The International Policy Institute for Counter-Terrorism at the Interdisciplinary Center, Herzliya, Israel.
- Farber. M. L (1967), **Theory of Suicide**, New York: Funk and Wagnalls.
- Gunaranta. R, The LTTE and Suicide Terrorism, **Frontline**, 17 (3), 5-8 February, <http://www.flonnet.com/fl17031060.htm>.
- Hopgood, S (1999), **Tamil Tigers 1987-2002**, in Gambetta, D, (ed), **Making Sense of Suicide Mission**, New York: Oxford University Press, pp 43-76.
- Hurwitz, E, Hizballah's Military Echelon (1999), **A Social Portrait**, Tel Aviv: Dayan Center for Middle Eastern Studies, Tel Aviv University.

- Joshi. C. L, Sri Lanka: Suicide Bombers, **Far Eastern Economic Review**, 1 June 2000. Margalit. A, The Suicide Bombers, The New York Review of Books, 16 January 2003, <http://www.nybooks.com/article.15979>.
- Joshi. C.L, Sri Lanka: Suicide Bombers, **Far Eastern Economic Review** - June 01 2000.
- Fisk. R, **What Divers a Bomber to Kill Innocent Child?**, The Independent, 11 August 2000.
- Kramer, M (1991), **Sacrifice and Fratricide in Shiite Lebanon**, Terrorism and Political Violence, No 3.
- Lester. G and Lester. D (1971), **Suicide**, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Maltsberger. J. T (1999), **The Psychodynamic Undrestanding of Suicide**, in Jacobs, D. G (ed), **The Harvard Medical School Guide to Suicide Assesment and Intervention**, San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Merari, Ariel (2007), **Psychological Aspects of Suicide Terrorism**, in Bonger, Bruce, Brown, Lisa, M, Beutler, Larry, E, Breckenridge, James, N, Zimbardo, Philip, G, (eds), New York: Oxford University Press.
- Merari, Ariel (2005), **Social, Organizational and Psychological Factors in Suicide Terrorism**, in Bjorgo, Tore (ed), **Root Causes Terrorism: Myths, Reality and Ways Forward**, London and New York, Rutledge.
- Merari, Ariel (1990), **The Readiness to Kill and Die: Suicidal Terrorism in the Middle East**, in Resich, W, (ed), **Origins of Terrorism: Psychologies, Ideologies, Theologies, States of Mind**, New York: Cambridge University Press.
- Mickolus. E, Sandler. T, and Murdock. J. M (1989), **International Terrorism in1980: A Chronology of Events**, Vol. 1, Ames, IA; Iowa State University Press.
- Palestinian Center for Policy & Survey Research (PSR), 2002- www.pcpsr.org.
- Pape, Rabert (2005), **Dying to Win: The Strategic Logic of Suicide Terrorism**, New York: Random House.
- Paz. R, Suicide Terrorist Operations in Chechnya, ICT Community, <http://www.ict.org.il>
- Sarraj. E (2002), Suicide Bombers: Dignity, Despair, and the Need for Hope, **Journal of Palestine Studies**, 1 June.
- Schweitzer, Y and Shay, S (2002), **An Expected Surprise: The September 11th Attacks in the USA and Their Ramifications**, Herzliya, Israel: Mifalot, IDC and ICT Publications.
- Schweitzer. Y (2000), **Suicide Terrorism: Development and Characteristic**, in Ganor. B (ed), Countering Suicide Terrorism: An International Conference, The International Policy Institute for Counter-Terrorism at the Interdisciplinary Center, Herzliya, Israel.
- Shneidman. E. S (1985), **Definition of Suicide**, New York: Wiley.
- Shneidman. E. S (1999), **Perturbation and Lethality**, in Jacobs, D. G (ed), **The Harvard Medical School Guide to Suicide Assessment and Intervention**, Jossey-Bass; 1 edition.

- Stein. R (2003), *Evil as Love and as Liberation: The Mind of a Suicide Religious Terrorist*, in Moss. D, (ed), *Hating in the First-Person Plural: Psychoanalytic Essays on Racism, Homophobia, Misogyny and Terror*, New York: Other Press.
- Weinberg. L, Pedhazur. A and Canetti-Nasim. D (2003), *The social and Religious Characteristics of Suicide Bombers and their Victims with Some Additional Comments about the Israeli Public's Reaction, Terror and Political Violence*, 15 (3).
- World Health Organization (WHO), Guidelines for the Primary Prevention of Mental, Neurological and Psychosocial Disorders, 4, *Suicide*, Geneva, Division of Mental Health, World Health Organization (Publication No. WHO/MNH/MND/93.24).